

علمی - ترویجی

رابطه حجیت اصولی و معرفت‌شناختی در خبر واحد و دلالت‌های روش‌شناختی آن در استنباط فقهی

هادی جلالی اصل، استادیار گروه فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

ایمیل: ha_jalali@sbu.ac.ir

کد ارکید:

<https://orcid.org/0000-0002-3213-6637>

چکیده:

این پژوهش با رویکرد فلسفه مضاف به فقه و روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی رابطه «حجیت اصولی» و «حجیت معرفت‌شناختی» در خبر واحد می‌پردازد و دلالت‌های روش‌شناختی این رابطه را استخراج می‌کند. پرسش محوری آن است که اعتبار خبر واحد، صرفاً بر جعل شرعی (حجیت اصولی) استوار است یا وثوق عقلا به محتوای آن (حجیت معرفت‌شناختی) شرط بنیادین اعتبار است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود اختلاف نظرات در تبیین ماهیت مجعول، نقطه اشتراک نهایی استناد به «بناء عقلاء» به عنوان مبنای اعتبار است. بر این اساس، حجیت اصولی در گرو حجیت معرفت‌شناختی (موثوق‌الصدور بودن نزد عقلا) است. این وابستگی، چهار دلالت روش‌شناختی کلیدی به بار می‌آورد: اولویت وثوق صدور بر صحت صوری سند، امکان تضعیف خبر واحد توسط ظنون عقلایی موهن، لزوم تناسب سخت‌گیری در اعتبارسنجی با اهمیت موضوع فقهی، و حکم به عدم اعتبار خبر واحد در صورت شک در حصول وثوق عقلا. در نتیجه، این تحقیق ضرورت گذار از روش‌شناسی تبدلی و سندمحور به رویکردی معرفت‌شناختی را در استنباط فقهی ایجاب می‌کند.

کلیدواژه:

فقه، خبر واحد، حجیت اصولی، حجیت معرفت‌شناختی، استنباط فقهی، وثوق صدور، بناء عقلاء

Epistemological Validity of Solitary Reports (Khabar al-Wāhid) and Its Methodological Implications for Ijtihād

Abstract

This research, employing the approach of the philosophy of jurisprudence and a descriptive-analytical method, investigates the relationship between “*uṣūlī* validity” (*hujiyyah uṣūliyyah*) and “epistemological validity” (*hujiyyah ma rifatiyyah*) in solitary reports (*khābar al-wāḥid*) and extracts the methodological implications of this relationship. The central question is whether the validity of a solitary report is based solely on religious enactment (*uṣūlī* validity) or whether the rational agents' confidence in its content (epistemological validity) is also a fundamental condition for its validity. The findings indicate that, despite disagreements in explaining the nature of what is enacted, the common ground is the ultimate recourse to the “building of the rational agents” (*binā' al-'uqalā'*) as the basis for validity. Accordingly, *uṣūlī* validity is contingent upon epistemological validity (being authentic in its attribution to the rational agents). This contingency yields four key methodological implications: the priority of reliability in attribution (*wuthūq al-ṣudūr*) over formal chain authenticity, the possibility of undermining a solitary report by rationally credible doubts (*zunūn 'aqliyyah mūhin*), the necessity of proportionality between the rigor of validation and the importance of the jurisprudential subject, and the ruling of invalidity in cases of doubt regarding the attainment of rational confidence. Consequently, this research establishes the necessity of transitioning from a purely chain-of-transmission-centric methodology to a content-based and reliability-oriented approach in *ijtihād*.

Keywords: Epistemological Validity, *Ijtihād*, *Khābar al-Wāḥid*, Rational Consensus (*Binā' al-'Uqalā'*), Reliability in Attribution (*Wuthūq al-Ṣudūr*), Solitary Reports, *Uṣūlī* Validity.

فقه به عنوان دانش استنباط حکم شرعی از ادله تفصیلی (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، صص ۳۲-۳۳)، دارای منابع گوناگون عقلی و نقلی است. با این حال با توجه به سختی به دست آوردن قطع عقلی به حکم شرعی و اصل عدم اعتبار ظنون (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۲۵)، ادله نقلی، مهمترین منبع فقه تلقی می شوند.

ادله نقلی از سه جهت اصل صدور؛ دلالت نقل و وجه یا جهت نقل، ممکن است غیر معتبر باشند و در نتیجه اثبات حکم شرعی از طریق نقل، متوقف بر این سه جهت است (روحانی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۲۹؛ انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۳۷). در جهت اول یعنی اثبات صدور، مهمترین و گسترده ترین مباحث در اصول فقه، مربوط به خبر واحد است زیرا هم از نظر کمیت، ادله نقلی عمدتاً در زمره اخبار آحادند و اخبار متواتر چه لفظی و چه معنوی و چه اجمالی، قابل قیاس با اخبار آحاد نیستند و هم با توجه به اینکه در دیدگاه رایج میان دانشمندان علم اصول فقه، خبر واحد، صرفاً معرفت ظنی ایجاد می کند (محمدی، ۱۳۹۵، صص ۵۶-۵۷)، این خبر دارای حجیت ذاتی نیز نبوده و اثبات اعتبار آن نیازمند بررسی ادله است و به همین دلیل بررسی ادله حجیت خبر واحد، جایگاه مهمی در اصول فقه دارد.

خبر واحد خبری است که نقل آن به حد تواتر نرسیده؛ حال چه تعداد نقل یکی باشد یا بیشتر. خبر واحد شامل خبر مستفیض نیز می شود؛ یعنی خبری که به حد تواتر نرسیده ولی تعداد ناقلان آن در هر طبقه بیش از دو یا سه نفر باشند (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۱۱-۱۱۲). خبر واحد خود به دو نوع تقسیم می شود: خبر واحد همراه قرینه قطعی که شواهد و قراین موجود، صادق بودن خبر را به صورت یقینی اثبات می کنند و خبر واحد بدون قرینه قطعی (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ق، صص ۳۹-۴۰).

بحث از اعتبار حجیت خبر واحد غیر محفوظ به قرائن قطعی در اصول فقه، در دو بخش مطرح شده است؛ بحث از اصل حجیت و بحث از حدود حجیت (صدر،

۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۳۸). با توجه به آنکه غالب اصولیان شیعه قائل به اعتبار خبر واحد در گزاره‌های فقهی هستند. اهمیت اصلی بررسی از مبنای حجیت، تبیین دایره حجیت خبر واحد است. یکی از راه‌های تبیین دایره حجیت خبر واحد در فقه، تبیین حجیت مورد نیاز در گزاره فقهی است.

برای تبیین نوع حجیت مورد نیاز در خبر واحد، ابتدا باید مراد از واژه حجیت و انواع آن مشخص شود. حجت در لغت به معنای برهان و آنچه هنگام خصومت به واسطه آن پیروزی حاصل می‌شود، به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۲۸). این واژه در دانش‌های گوناگون چون منطق، کلام، فلسفه، فقه و اصول، دارای اصطلاحات گوناگون است اما در ادبیات اصولی در سه اصطلاح به کار رفته که دو اصطلاح آن یعنی حجیت منطقی یا معرفت‌شناختی و حجیت اصولی، با بحث حاضر مرتبطند.

حجیت منطقی یا معرفت‌شناختی به معنای بحث از حیظه اصابت قطع با واقع و حقانیت آن است. در این اصطلاح که منشأ آن علم منطوق است و به نظریه معرفت نیز موسوم است بحث بر سر این است که کدام یک از مناشی قطع از تجربه، احساس، برهان و... بیشتر مطابق واقع است (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۷). از دیدگاه محقق نائینی حجیت به اصطلاح منطقی حد وسطی است که بین آن و بین حد اکبری که در صدد اثبات آن برای حد اصغر هستیم، علقه و ربط ثبوتی وجود دارد. حال این علقه یا تلازم است یا علیت و معلولیت و در این بین تفاوتی ندارد که حد وسط علت ثبوت حد اکبر باشد که برهان لمی نامیده می‌شود یا معلول حد اکبر باشد که برهان اِنئی نامیده می‌شود (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۷).

در مقابل حجیت اصولی به معنای معذرت و منجزیتی است که در ارتباطات بنده و مولی در مقام امثال وجود دارد (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۷) و در ادبیات اصولی، مترادف با واژه اماره تلقی شده است (مظفر، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۱۴).

حجیت اصولی دارای تعاریف متفاوتی است اما می‌توان آن‌ها را به دو

تعریف برگرداند:

۱. ادله دارای جعل و اعتبار شرعی که بدون اینکه بین این ادله و بین متعلقشان ارتباط ثبوتی برقرار باشد، حد وسط برای اثبات متعلقشان قرار می‌گیرند (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، صص ۲۹-۳۰؛ نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۶-۷؛ مظفر، ۱۳۸۸، ج ۳، صص ۱۳-۱۴).

۲. ادله‌ای که معذّر و منجّرند و می‌توانند ابزار احتجاج میان مولی و بندگان قرار گیرند (امام خمینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۴؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۶۹؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۷).

قدر جامع هر دو تقریر، مبنا بودن اعتبار شرعی (نه ارتباط ثبوتی واقعی) و در نهایت، هدف بودن کسب مؤمن و معذّر (نه لزوماً واقع‌نمایی)، است. با این حال آنچه دارای اعتبار شرعی و مؤمن و معذّر است، لزوماً از نظر حجیت معرفت‌شناختی، غیر معتبر نیست و بالعکس.

انتخاب هر نوع از حجیت در رابطه با خبر واحد، لوازم معرفت‌شناختی بسیار بالایی دارد. به عنوان مثال چنانچه حجیت مورد نیاز، اصولی باشد، در مسائلی که هدف از استنباط آن، کشف وظیفه عملی و کسب مؤمن و معذّر است، می‌بایست برای کشف واقع، به ادله ظنی که مولی معتبر شمرده است، عمل کرد ولو اینکه دلیلی که موجب ظن بالاتر است وجود داشته باشد. چرا که هدف، کسب مؤمن از عذاب و کسب ثواب است پس آنچه معیار است، معیارهای ارائه شده از جانب ثواب‌دهنده و عقاب‌کننده است؛ ولو با اطمینان بخشی اندک و حتی بدون آن. همچنین در صورت تعارض، معیار تقدم ادله بر یکدیگر حجیت اصولی است نه میزان اطمینان بخشی.

بنابراین خبر واحدی که اطمینان بخشی پایین‌تری از تحقیقی تجربی دارد، به دلیل آنکه ظن خاص است معتبر شمرده می‌شود و دلیل تجربی با توجه به اینکه همچنان ذیل اصل عدم اعتبار ظنون قرار دارد، غیر معتبر خواهد بود و در حقیقت توان معارضه با

خبر واحد را ندارد؛ چرا که تعارض میان یک حجت و غیر حجت برقرار نمی‌شود (مظفر، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۲۱۳).

اثر دیگر حجیت اصولی آن است که با توجه به آن که کسب مومّن و معذّر منوط به نظر شارع است، چنانچه شارع شرایطی را برای حجّیت اعتبار کند یا شرطیت آن را سلب کند، ملاک همان خواهد بود نه میزان معرفت بخشی؛ حتی در ادله با کاشفیت تام. در مقابل در موضوعی که حجت مورد نظر، معرفت شناختی باشد (مثلا در روایات اعتقادی یا تفسیر قرآن یا روایات طبی و...)، آنچه معیار است، اطمینان بخشی دلیل است نه حجیت اصولی آن.

حال سوال این است که حجیت خبر واحد در مسیر استنباط گزاره‌های فقهی، حجیت اصولی است یا معرفت شناختی؟ چنانچه حجیت آن اصولی باشد، آیا چنین حجیتی، با حجیت معرفت شناختی آن بی ارتباط است؟ آیا در حجیت اصولی خبر واحد در فقه، هیچ نگاهی به واقع نمایی و حیطة اصابت به واقع وجود ندارد؟ به عنوان مثال چنانچه خبر واحد اطمینان آوری بالایی نداشت ولی آثار گسترده‌ای همچون اثبات حدود داشت نیز معتبر است؟ یا چنانچه تحقیقی تجربی، اثبات ظنی کرد که حکم شرعی مستنبط از خبر واحد، آثار مخربی دارد، می‌توان به آسانی تحقیق تجربی را کنار گذاشت و متعبد به ظن حاصل از خبر واحد شد؟ پاسخ این به این سوال مستلزم پاسخ به رابطه حجیت اصولی و معرفت شناختی در خبر واحد در فقه است. با توجه به اهمیت خبر واحد در استنباط فقهی، پاسخ به این سوال ضرورت دارد.

۲. پیشینه پژوهش

توجه به تفاوت حجیت اصولی و معرفت شناختی و تفاوت لوازم این دو همچون بی معنا بودن تعبد به حجیت نقل در جایی که نقل اثر شرعی نداشته باشد، از

گذشته در اصول فقه مورد توجه بوده است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، صص ۲۹۷، ۲۹۸؛ نائینی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۱۰۶؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۲۹۷-۳۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۲۵). بر این اساس علما در حجیت خبر واحد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۳۳) یا ظواهر (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۷۷) در معارف اعتقادی یا موضوعات خارجی بدون حکم شرعی، مبنایی متفاوت از کاربرد آن در فقه داشته اند. در تحقیقات معاصر نیز برخی محققین موضوعاتی همچون بررسی اعتبار معرفت‌شناختی خبر واحد در غیر فقه (نجمی‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۳)؛ یا اعتبار معرفت‌شناختی حجیت اصولی (ر.ک: رفعت و قربانخانی، ۱۳۹۹) یا اعتبار خبر واحد در امور مهمه (حسینی یار، سلطانی و علمی سولا، ۱۳۹۶) را مورد بررسی قرار داده اند. اما در تمامی این پژوهش‌ها اینکه حجیت در فقه، اصولی است، مفروض غنه گرفته شده و پژوهشی که رابطه حجیت اصولی و معرفت‌شناختی را در استنباط گزاره فقهی مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد.

۳. روش و دامنه پژوهش

این پژوهش با رویکرد فلسفه مضاف به فقه، به تبیین رابطه حجیت اصولی و معرفت‌شناختی در رابطه با اعتبار خبر واحد در فقه می‌پردازد. فلسفه مضاف، احکام و احوال کلی یک علم یا نظام معرفتی را به صورت فرانکر و درجه‌دو بررسی می‌کند (رشاد، ۱۳۸۵، ص ۸) و یکی از شاخه‌های آن، فلسفه مضاف به علم است که در کنار بررسی چستی، سرشت و ساختار معرفتی یک دانش و ماهیت گزاره‌های تشکیل‌دهنده آن، به تبیین مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن دانش می‌پردازد (حقیقت، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸؛ رشاد، ۱۳۸۵، صص ۱۰-۲۱).

بر اساس این رویکرد، این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی، به توصیف آراء علما پیرامون ماهیت حجیت امارات به طور کلی و متعلق حجیت خبر واحد به صورت خاص و دایره اعتبار آن و تحلیل منطقی لوازم این مبانی در تبیین ارتباط رابطه حجیت

اصولی و معرفت‌شناختی می‌پردازد. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به متون کلاسیک اصول فقه صورت گرفته است.

۴. مبانی نظری

بررسی رابطه حجیت اصولی و حجیت معرفت‌شناختی در گزاره فقهی در مرحله اول نیازمند آن است که ماهیت حجیت امارات در گزاره‌های فقهی به صورت کلی مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود حجیت مورد نظر در رابطه با امارات، حجیت اصولی است یا معرفت‌شناختی.

سپس با توجه به بحث حاضر که قسمتی از امارات یعنی خبر واحد است، بایستی مبنای اعتبار خبر واحد به صورت خاص مورد بررسی قرار گیرد و به بررسی این موضوع پرداخت که آیا حجیت خبر واحد به صورت خاص، اصولی است یا معرفت‌شناختی؟ و چنانچه اصولی است، آیا ارتباطی با حجیت معرفت‌شناختی دارد یا خیر؟ بنابراین ابتدا به بررسی ماهیت حجیت امارات در گزاره‌های فقهی پرداخته و سپس به مبنای اعتبار خبر واحد در استنباط گزاره‌های فقهی می‌پردازیم.

۴-۱. مبنای حجیت امارات:

برای بررسی ماهیت حجیت در امارات، بایستی بررسی کرد که ماهیت مجعول در امارات چیست؟ در این رابطه دو دسته کلی سببیت و طریقت وجود دارد و به نظر می‌رسد سببیت در میان شیعه جایگاهی ندارد و نظریه مصلحت سلوکیه شیخ انصاری نیز ذیل طریقت دسته‌بندی می‌شود (حسینی فیروز آبادی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۸۸). اما در حوزه طریقت، در رابطه با وجود یا عدم وجود جعل برای حجیت و در صورت وجود جعل، کیفیت جعل، نظرات علما متفاوت است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی جعل حجیت از جانب شارع و نبود جعل و تبعیت از بناء عقلاء، تقسیم کرد. در دسته اول نیز می‌توان آراء اندیشمندان اصولی را به سه دسته جعل حکم مماثل با مؤدای امارات، جعل حکم تکلیفی و جعل حکم وضعی تقسیم کرد.

از میان معتقدان به نظریه جعل حکم مماثل و لزوم تبعیت از مودای امارات که به مشهور نسبت داده شده (اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۹۴)، مبنای شیخ انصاری قابل بررسی است. با توجه به آراء شیخ انصاری در فرائد الأصول، به نظر می رسد وی قائل به وجود جعل حکم مماثل مؤدای اماره و لزوم پیروی از آن است (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۵۷ و ۱۱۸) البته با توجه به آنکه وی قائل به جعل حکم وضعی نبوده و حکم وضعی را انتزاع از حکم تکلیفی می داند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۳، صص ۱۲۵-۱۲۷)، حکم مجعول، فہرا حکم تکلیفی خواهد بود.

از میان معتقدان به جعل حکم تکلیفی، نظر محقق عراقی قابل بررسی است. اگرچه محقق عراقی نظریه جعل طریقت و تتمیم کشف محقق نائینی را پذیرفته است (عراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۸)، با این حال وی تبیین خاصی از جعل طریقت داشته و آن را به جعل حکم تکلیفی مبنی بر معامله با مؤکد همچون با معامله با واقع، باز می گرداند (عراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۸۶) و در نهایت همچون شیخ انصاری قائل به جعل حکم تکلیفی می شود ولی با این تفاوت که وی برای اماره، کاشفیت و طریقت قائل است و حکم تکلیفی مجعول را نیز حکم مماثل مؤدای اماره نمی داند.

در مقابل این دو دسته، برخی اندیشمندان اصولی قائل به وجود جعل حکم وضعی پیرامون مؤدای اماراتند که این دسته خود مبنای مختلفی در این رابطه دارند. برخی همچون آخوند خراسانی و محقق اصفهانی قائل به جعل حکم وضعی حجیت در رابطه با اماراتند. آخوند خراسانی مجعول در امارات را حجیت دانسته (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۷۷) و این حجیت را مقتضی تنجّز و تعدّر تکالیف می داند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰۵). محقق اصفهانی نیز مجعول در رابطه با امارات را حکم وضعی دانسته (اصفهانی، ۱۴۲۹ق، صص ۱۲۸-۱۲۹) و مبنای جعل حجیت برای امارات از جمله خبر واحد را وجود اغراض واقعی برای مولی در جعل احکام و قلت علم یا کثرت خطای مردم در شناخت این احکام و سختی و خلاف حکمت بودن جعل

احتیاط می‌داند. بنابراین معتقد است خبر واحد با توجه به کثرت مطابقت با واقع، معتبر شمرده شده است (اصفهانی، ۱۴۲۹ق، صص ۱۲۶-۱۲۷).

برخی همچون محقق نائینی نیز اگرچه قائل به جعل حکم وضعی پیرامون امارات هستند، مجعول را طریقت و وسطیت در اثبات می‌دانند. این نظر که به تتمیم کشف موسوم است، قائل است که شارع با تتمیم کاشفیت امارات، طریقت را برای امارات ظنی جعل کرده و آن را علم تبعیدی قرار داده است (نائینی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۵۳ و ص ۱۰۸). به نظر می‌رسد محقق خوئی (خوئی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰۶) نیز در نهایت همین مبنا را پذیرفته است. با این تفاوت که بیان محقق خوئی نسبت به بیان محقق نائینی صراحت بیشتری در امضائی بودن جعل حجیت، به تبعیت از بناء عقلاء دارد (خوئی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰۴).

در مقابل علمایی که در رابطه با امارات، قائل به جعل تکلیفی یا وضعی اند، برخی علما همچون آیت الله بروجردی و امام خمینی، با نفی جعل شرعی، اعتبار بخشی به امارات را امضاء صرف شارع نسبت به بناء عقلائی بدون جعل حکم تکلیفی و وضعی می‌دانند (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۵۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۸۲). با توجه به مبانی مختلف علما پیرامون جعل یا عدم جعل در رابطه با امارات و در صورت جعل، ماهیت مجعول در امارات، بررسی حجیت اصولی یا معرفت شناختی امارات میسر می‌شود. بر اساس مبنای شیخ انصاری، حجیت امارات اساساً معرفت شناختی نبوده و آنچه جعل شده، جعل حکم مماثل بر اساس مؤدای امارات است بنابراین واقع‌نمایی اماره مد نظر نمی‌باشد. بر اساس مبنای آخوند خراسانی و محقق اصفهانی نیز با توجه به تعابیر این دو مشخص است که حجیت مد نظر، به معنای معجزیت و معذرت است نه حیطة اصابت واقع (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۹ق، صص ۱۲۶-۱۲۷).

بر مبنای محقق نائینی و سایر محققان معتقد به تتمیم کشف نیز اگرچه واقع‌نمایی لحاظ شده و شارع، واقع‌نمایی موجود را تتمیم می‌کند (نائینی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۰۸)، اما در

اینجا نیز هدف از جعل طریقت و معرفی اماره به عنوان فردی تبعدی از علم، تنجیز و تعذیر و در نتیجه حجیت اصولی است (نائینی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۰۸). این هدف در بیانات باقی معتقدین به تتمیم کشف همچون محقق عراقی نیز وجود دارد (عراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۶).

در مقابل بر اساس نظر آیت الله بروجردی و امام خمینی مبنی بر عدم وجود جعل، حجیت اصولی یا معرفت شناختی امارات، تابعی از معامله عقلاء با امارات خواهد بود. بنابراین در اماراتی همچون قرعه که واقع‌نمایی مد نظر نیست و مبنای رفع اختلاف است، واقع‌نمایی لحاظ نشده و آنچه معتبر شده، از جنس حجیت اصولی است؛ اما در اماراتی همچون قاعده ید که واقع‌نمایی آن مد نظر است، بعد معرفت شناختی امارات نیز مد نظر قرار گرفته است.

بنابراین غیر از مبنای عدم جعل که تعیین تکلیف حجیت اصولی یا معرفت شناختی خبر واحد، مبتنی بر بررسی بناء عقلاء درباره حجیت مد نظر در خبر واحد است، ماهیت اصولی حجت در باقی نظرات واضح است. با این حال باید در نظر داشت آنچه از جانب معتقدین به این نظر معتبر شمرده شده، دارای حجیت اصولی است. بنابراین پیش از تبیین رابطه حجیت اصولی و معرفت شناختی در خبر واحد، بایستی بررسی کرد آنچه حجیت اصولی به آن تعلق گرفته چیست؟ زیرا ممکن است حجیت اصولی به چیزی تعلق گرفته باشد که ماهیتا دارای حجیت معرفت شناختی است. به عنوان مثال شیخ انصاری که خود قائل به جعل حکم مماثل و در نتیجه حجیت اصولی است، در رابطه با خبر واحد، پس از بررسی ادله به این نتیجه می‌رسد که خبری معتبر است که احتمال مخالفت آن با واقع در حدی بعید باشد که عقلاء به این احتمال اعتناء نکنند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۶۶).

بنابراین برای کشف رابطه حجیت اصولی و معرفت شناختی بایستی به بررسی مبنای حجیت خبر واحد پرداخت تا مشخص شود آنچه حجت اصولی است، حجیت معرفت شناختی و واقع‌نمایی نیز در آن لحاظ شده یا خیر.

۲-۴. مبنای حجیت خبر واحد

با توجه به آنچه بیان شد، مشخص می‌شود بررسی رابطه حجیت اصولی و معرفت‌شناختی، صرفاً با بررسی ماهیت مجعول در حجیت امارات به پایان نمی‌رسد و باید دید که حجیت، به چه تعلق گرفته و در آنچه حجت تلقی شده، حجیت اصولی و معرفت‌شناختی چه ارتباطی با یکدیگر دارند. بنابراین در این بخش به بررسی مبنای حجیت خبر واحد می‌پردازیم.

خبر واحد در صورتی که محفوف به قرائن قطع آور نباشد، ظنی است و با توجه به اصل عدم اعتبار ظنون (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۲۵)، اعتبار و حجیت آن بایستی از طریق اعتبار حاصل از منبعی همچون عقل قطعی یا بنای عقلا یا دلیل نقلی که حجیت آن پیش از این پذیرفته شده، اثبات شود. هر دلیلی که به عنوان مبنای حجیت خبر واحد شناخته شود، دایره اعتبار خبر واحد را نیز تعیین می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۲۴). به عنوان مثال چنانچه مدرک حجیت آیه نفر یا کتمان باشد، حجیت مطلق خبر به اثبات می‌رسد مگر اخباری که با دلیل خاص، عدم اعتبارشان اثبات شود؛ در حالی که چنانچه مدرک حجیت، مفهوم مخالف آیه نبأ باشد، حجیت خبر غیر فاسق اثبات می‌شود. همچنین چنانچه مبنای حجیت خبر واحد بنای عقلا باشد، معیار، بنای عقلاست. مثلاً آنچه عقلا در رابطه با راوی شرط می‌دانند، وثاقت است نه عدم فسق. همچنین شرایطی همچون عدم مزاحم را برای پذیرش خبر لحاظ می‌کنند (صدر، ۱۴۱۷ق، صص ۴۲۴-۴۲۶).

همچنین مبنای حجیت خبر واحد، اعتبار یا عدم اعتبار خبر واحد را در مواردی که اعتبار معرفت‌شناختی نداشته باشد نیز تعیین می‌کند و از این طریق می‌توان به رابطه حجیت اصولی و حجیت معرفت‌شناختی پرداخت. بنابراین بایستی به بررسی مبنای حجیت خبر واحد از جانب علما پرداخت.

با بررسی آراء علما مشخص می‌شود اگرچه علما ادله مختلفی همچون آیات، روایات، سیره متشرعه و انسداد باب علم را به عنوان مبنایی برای حجیت خبر واحد بررسی کرده‌اند اما همانگونه که محقق نائینی، امام خمینی و محقق خوئی معتقدند، در نهایت عمده دلیل حجیت خبر واحد، بناء عقلاست و اشکالاتی که به دیگر ادله وارد است، به این دلیل وارد نمی‌شود (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۶۹؛ امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۲؛ خوئی، ۱۴۱۸، ج ۴۷، ص ۲۳۳).

تا جایی که برخی اصولیون همچون محمدرضا مظفر معتقدند این دلیل از جمله ادله قطعی حجیت خبر واحد است که شک در آن راه ندارد (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۷) و برخی همچون امام خمینی و آیت الله مصطفی خمینی معتقدند یگانه دلیل برای حجیت خبر واحد، بناء عقلاست (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۲ و ص ۴۶۲ و ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۱۰؛ خمینی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۲۵۵).

جایگاه بناء عقلاء در اعتبار بخشی به خبر واحد تا جایی است که بسیاری از علما همچون محقق نائینی (نائینی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴)، امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰ و ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۱۰)، آیت الله خوئی (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۴۷، ص ۲۳۴)، آیت الله وحید خراسانی (وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ص ۲۳۷) و شهید صدر (شهید صدر، ۱۴۱۷، ص ۴۲۵-۴۲۶)، ادله نقلی حجیت خبر واحد را امضاء همین بناء عقلائی می‌دانند. بنابراین دایره اعتبار خبر واحد را نیز عقلاء مشخص می‌کنند و آنچه عقلاء معتبر بدانند، حجیت اصولی خواهد داشت. بر این اساس بسیاری از اندیشمندان اصول فقه، بر اساس بناء عقلاء به کنکاش دایره اعتبار خبر واحد پرداخته‌اند. به عنوان نمونه آیت الله خوئی معتقد است با توجه به آنکه مفاد آیاتی که برای حجیت خبر واحد به آن استناد شده، جعل حجیت نبوده؛ بلکه مفادشان آن است

که حجیت خبر با توجه به بناء عقلائی امضا شده پیش از نزول آیه، مفروغ عنه بوده، نمی‌توان به اطلاق این آیات تمسک کرد و در توسعه موضوع حجیت یا ضیق آن، بایستی از سیره تبعیت کرد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۴۷، ص ۲۳۴). امام خمینی نیز بر این اساس دایره حجیت نقل ظنی را در محدوده‌ای می‌داند که عقلاء آن را معتبر می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۳۸). به عنوان نمونه ایشان اعتبار خبر عقلاء را محدود به امور محسوس و امور غیر محسوس ولی دارای مبدأ حسی قریب به حس همچون اخبار از شجاعت و سخاوت می‌داند زیرا در رابطه با امور غیر محسوس که همچون اجتهاد، دارای مبدأ بعید از حس هستند، با توجه به احتمال بالای اشتباه حتی در صورت وثاقت خبر دهنده، معتقدند عقلاء اینگونه مسائل را صرفاً به دلیل وجود خبر واحد نمی‌پذیرند (امام خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۳۸).

همچنین ایشان در یک تقسیم‌بندی مخبر عنه را به موضوعات محسوس متعارف مانند اخبار زراره از امام صادق (ع) و امور محسوس غریب و خارق العاده همچون دیدن جن و مانند آن تقسیم کرده (امام خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۳۸) و معتقدند عقلاء در امور خارق العاده ولو حسی باشد و گوینده نیز ثقه باشد، به خبر واحد عمل نمی‌کنند. بنابراین از دیدگاه ایشان خبر واحد در اینگونه امور همچون نقل معجزات و کرامات، ادعای تشرّف به محضر حضرت ولی عصر (عج)، دیدن موضوعات خارق العاده همچون جنّ و... اعتبار ندارد و اعتبار آن منحصر در امور متعارف است. و تنها زمانی می‌توان خبر واحد را برای اثبات مسائل خارق العاده کافی دانست که به قرائن و شواهد دیگر ضمیمه شود (امام خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۱۳۸).

حتی اندیشمندانی همچون شیخ انصاری و شهید صدر که به دلیل نقلی برای حجیت خبر واحد تمسک می‌کنند نیز در نهایت دایره اعتبار آن را از طریق بناء عقلاء مشخص

می‌کنند. شیخ انصاری پس از بررسی ادله در نهایت معتقد است آنچه از ادله دلالت بر حجیت خبر واحد دارد، تنها بر وجوب عمل به آنچه مفید و ثوق و اطمینان به مؤدای آن باشد، دلالت می‌کند... و معیار در چنین خبری آن است که احتمال مخالفت آن با واقع به حدی بعید باشد که عقلاء به آن اعتنایی نداشته باشند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۶۶). شهید صدر نیز که دلیل مهم برای حجیت خبر ثقه را سنت مستکشف از سیره مخصوصا سیره مشرعه از اصحاب ائمه می‌داند (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۲۱)، در تعیین دایره اعتبار آن به ارتکاز عقلانی تمسک می‌کند و معتقد است وثاقتی که ملاک حجیت است، بر حسب ارتکاز عقلانی بوده و ظهور دلیل و سنت لفظی، محمول بر ارتکازات عقلانی است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۲۵-۴۲۶).

با توجه به این مبانی نظری مشخص می‌شود اگرچه عمده مبانی در رابطه با ماهیت مجعول در حجیت امارات، حجیت مد نظر در فقه را حجیت اصولی می‌دانند اما آنچه حجیت اصولی به آن تعلق گرفته و ماهیت اصولی یا معرفت‌شناختی آن با تحلیل دایره حجیت امارات نزد عقلاء مشخص می‌شود. بنابراین در ادامه بایستی به نوع نگاه عقلاء به خبر واحد و رابطه حجیت اصولی و معرفت‌شناختی در اعتباربخشی عقلاء به خبر واحد پرداخت.

۵. تجزیه و تحلیل

آنچه گفته شد مشخص می‌کند با توجه به اینکه در رابطه با خبر واحد، این حجیت به خبر واحد معتبر نزد عقلاء تعلق گرفته، برای تعیین دایره حجیت خبر واحد از جمله رابطه حجیت اصولی و معرفت‌شناختی بایستی به تجزیه و تحلیل لوازم مبنا بودن بناء عقلاء برای حجیت خبر واحد پرداخت. بنابراین در این بخش به تجزیه و تحلیل لوازم

این مبنا بر رابطه حجیت اصولی و معرفت شناختی در خبر واحد در گزاره‌های فقهی می‌پردازیم.

۱-۵. لزوم حجیت معرفت شناختی و واقع‌نمایی اخبار در اعتبار آن نزد

عقلاء

با توجه به محدودیت‌هایی که عقلاء برای اعتبار خبر واحد قائلند، بایستی به بررسی این موضوع پرداخت که آیا عقلاء حجیت معرفت شناختی را نیز در اعتبار خبر لحاظ می‌کنند یا خیر. با بررسی آراء علما پیرامون بناء عقلاء مشخص می‌شود عقلاء در اعتباربخشی به خبر واحد، حجیت معرفت شناختی و میزان واقع‌نمایی را نیز لحاظ می‌کنند. از دیدگاه آیت‌الله روحانی مبنای حجیت اماراتی همچون ظواهر و خبر ثقه، اطمینان به مراد متکلم است و عقلاء به امارات عمل می‌کنند بدون آنکه مسائلی همچون حجیت یا طریقیّت یا منجزیت و معذرت را در آن معتبر بدانند (روحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۸۶). بنابراین حجیت مد نظر عقلاء، معرفت شناختی و بر اساس واقع‌نمایی است نه اصولی و بر پایه معذرت و منجزیت. بدین ترتیب عقلاء نگاهی تبعیدی به خبر ثقه ندارند. نتیجه این است که اگرچه حجیت خبر واحد در اصول فقه، بر اساس عمده مبانی پیرامون ماهیت مجعول در حجیت امارات، حجیت اصولی است ولی این حجیت در خبر واحد به خبری تعلق گرفته که دارای حجیت معرفت شناختی باشد و عقلاء میزان واقع‌نمایی خبر را لحاظ کرده و به صورت مطلق، خبر واحد را معتبر نمی‌دانند؛ در نتیجه خبری که نزد عقلاء واقع‌نمایی داشته باشد، حجیت اصولی نیز خواهد داشت. به بیان دیگر آن چیزی معذّر و منجز است که واقع‌نمایی داشته باشد. بر این اساس مشخص می‌شود میان دو مبنای وثوق صدور و وثوق سند، مبنای صحیح که دارای لوازم روش شناختی زیادی نیز است، مبنای وثوق صدور در برابر مبنای وثوق سندی است. زیرا سیره عقلاء بر عمل به خبر موثق تعلق گرفته؛ اعم از آنکه خبر موثق باشد یا راوی آن مورد وثوق باشد (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳۷). بر اساس

مبنای وثوق صدور، وثاقت شرط کافی نیست زیرا در بسیاری از موارد وثاقت هست ولی خبر معتبر نیست، و در برخی موارد دیگر وثاقت موجود نیست ولی خبر معتبر شناخته می شود. در بیشتر موارد (به استثنای مواردی که قرینه بر خلاف موجود است)، وثاقت شرط لازم برای واقع نمایی به شمار می آید (محمدی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۹۰؛ ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴۸). گروه وثوق صدوری بر این باور است که معیار و تراز عمل به حدیث، اطمینان به صدور آن از معصوم است و صدور آن از معصوم، از دو راه ثابت می شود:

۱. از راه سند؛ یعنی سلسله سند آن باید موثق باشد.

۲. از راه قرینه ها و نشانه ها.

بنابراین از دیدگاه این طیف، قرینه ها و نشانه های خارجی که نشان از اعتبار روایت دارند، تنها در سند خلاصه نمی شوند (ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴۹). این مبنا دو لازمه بسیار مهم روش شناختی دارد:

۱- اعتبار روایات را نمی توان به روایات صحیح السند محدود کرد و

چنانچه روایتی به نحوی دارای قرائن صحت بود که نزد عقلاء و ثوق به

صدور آن پیدا شد، معتبر خواهد بود.

۲- حتی در روایات صحیح السند نیز لزوما صحت سند کافی نخواهد بود و

باید برای کسب وثوق بیشتر تلاش کرد؛ تا جایی که خبر نزد عقلاء

موثق الصدور شود.

این دو لازمه خود در نگاه به مبانی معرفت شناختی پژوهش های فقهی آثار گسترده ای

دارد که به دلیل اهمیت، برخی از این لوازم مورد بررسی قرار می گیرد؛

در جهت اول یعنی محدود نبودن اعتبار روایات به روایات صحیح‌السند، باید در نظر داشت روایات غیر معتبر و ضعیف‌السند یا بی‌سند، لزوماً موضوع و مجعول نیستند بلکه با توجه به اینکه از طریق معتبر به دست ما نرسیده‌اند، به تنهایی دارای حجیت اصولی یا معرفت‌شناختی نیستند. بنابراین چنانچه روایتی از طریق غیر معتبر وارد شود نیز، ممکن است از معصوم صادر شده باشد. بنابراین چنانچه قرائن صحت نزد عقلا وجود داشت، می‌توان روایت را تصحیح کرد. بر این اساس حتی ابن‌ادریس که اعتبار خبر واحد را نیز نمی‌پذیرد، در رابطه با قاعده در آنکه از جمله اخبار آحاد مرسل است، در رابطه با کسی که وطی به شبهه کرده معتقد است به دلیل خبر مجمع علیه، حد از او دفع می‌شود (ابن‌ادریس، ۱۳۸۷ش، ج ۱۳، ص ۱۷۱) و چنین خبری را به دلیل اجماع بر آن می‌پذیرد.

حتی در جایی که گزاره فقهی نیست و به دنبال اثبات نظریه‌ای علمی پیرامون موضوعی در حوزه علوم تجربی یا علوم انسانی هستیم و شکی در نیاز به حجیت معرفت‌شناختی نیست نیز می‌توان از هم‌افزایی منابع شناخت استفاده کرد و وثوق به صدور حدیث پیدا کرده و آن را معتبر تلقی کرد. به عنوان نمونه در روایتی از امیرالمومنین ع، ۴ نشانه برای سقوط دولت‌ها ذکر شده است: ضایع‌گذاوردن مسائل اساسی؛ تمسک به امور فرعی؛ پیش‌انداختن فرومایگان؛ و کنار زدن اندیشمندان (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰۰). اگرچه این روایت با سند صحیح در مجامع روایی وجود ندارد با این حال صحیح‌السند نبودن این روایت به معنای جعلی بودن آن نیست و امکان دارد که این روایت واقعا از طرف معصومین (ع) صادر شده باشد. بنابراین می‌توان با پژوهش‌های تاریخی، این چهار عامل و نقش‌شان در سقوط دولت‌ها، به اثبات یا رد این نظریه پرداخت.

البته در تصحیح روایات از طریق هم‌افزایی میان منابع باید در نظر داشت در بسیاری از موارد، هم‌افزایی منابع منجر به وثوق به صدق محتوای خبر می‌شود نه انتساب آن به معصومین ع؛ زیرا صدق محتوای خبر ملازمه‌ای با صدور آن از معصوم ع ندارد مگر در مواردی که چنین کلامی عادتاً از انسان عادی صادر نشود؛ همچنانکه یکی از راه‌هایی تصحیح روایات مبنای قاعده درء، این راه عنوان شده است. (محقق داماد، ۳۸۳ ش، ص ۴۷).

در جهت دوم نیز باید در نظر داشت با توجه به معیار بودن حجیت معرفت‌شناختی نزد عقلاء، صرف صحت سند در پذیرش روایات فقهی کافی نیست و باید از راه‌های مختلف، برای کسب وثوق بیشتر تلاش کرد؛ تا جایی که خبر نزد عقلاء موثوق الصدور شود. بنابراین آنچه موجب وثوق بیشتر می‌شود از جمله شهرت عملی یا توثیق بالاتر روات توسط رجالیون یا واسطه کمتر با معصومین ع یا مویداتی همچون اجماع منقول یا شهرت فتوایی نزد قداما، باید گردآوری شود؛ تا جایی که منجر به وثوق عقلایی به صدق انتساب خبر به معصوم ع شود.

۲-۵. نیاز به نسبت سنجی میان خبر واحد صحیح السند به عنوان ظن خاص با ظنون عامی که توان موهون کردن اعتبار خبر واحد را دارا هستند.

همانگونه که گفته شد، حجیت مد نظر عقلاء، معرفت‌شناختی و بر اساس واقع‌نمایی است نه اصولی و بر پایه معذرت و منجزیت. شهید صدر نیز بر همین اساس خبر ثقه را در صورتی که با اماره ای اقوی تعارض کند و این تراحم به صورتی باشد که احتمال صحت را موهون کند، معتبر و مشمول سیره عقلائیه نمی‌داند و اعراض مشهور اقدمین

از خبر صحیح را بر همین اساس مسقط حجیت خبر واحد می‌داند. از دیدگاه وی و ثاقبی که ملاک حجیت خبر واحد است، به اعتبار کاشفیت نوعی آن است و ابتلا به مزاحم اقوی موجب وهن احتمال صحت خبر می‌شود (صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۴۲۵-۴۲۶). بنابراین اگرچه اعراض مشهور خود از ادله معتبر نیست ولی با توجه به موهون کردن خبر صحیح السنه، توان اعتبارزدایی از خبر را داراست.

توضیح اینکه اگرچه تعارض فرع حجیت است (مظفر، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۲۱۳) و خبر واحد با توجه به آنکه به عنوان ظن خاص حجت است، نباید با عقل ظنی یا یافته‌های تجربی که عمدتاً ظنی و مبتنی بر استقراء ناقصند و ظن خاص نیستند، تعارض کند؛ اما دقت در آنچه گفته شد نشان‌دهنده آن است که عقل و تجربه چنانچه واقع‌نمایی خبر واحد را موهون کنند، تحقق شرایط حجیت خبر واحد را مخدوش می‌کنند و اساساً خبر واحد حجت نخواهد بود تا ناسازگاری آن با عقل و تجربه، تعارض حجت و لاحجت باشد. بنابراین عقل و تجربه ظنی موهن صحت خبر واحد، اگرچه خود دارای اعتبار اصولی نیستند و به عنوان ظن عام، صلاحیت اینکه در کشف واقع مورد اتکا قرار گیرند را دارا نیستند (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۹)، اما نسبت به اخبار آحاد، اعتبارزدا تلقی می‌شوند؛ زیرا در این صورت، اساساً اطمینان بخشی مد نظر عقلاء و شرایط حجیتی که به تعبیر شیخ انصاری، معیار حجیت خبر واحد است، شکل نمی‌گیرد (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۶۶). بنابراین بایستی در این صورت چنانچه دلیل معتبر دیگری وجود داشت، به آن مراجعه کرد و در غیر این صورت به عموماً فوقانی و در صورت فقدان، به اصل عملی رجوع کرد؛ زیرا خبر واحد به عنوان ظن خاص شرایط حجیت را ندارد و حکم عقل و تجربه اگرچه توان موهون کردن خبر را دارا هستند؛ اما خود شرایط حجیت را ندارند و بنابراین خود نیز، مرجع قرار نمی‌گیرند. این مبنا به صورت خاص در موضوعات فقه سیاسی و اجتماعی که جهات تبعدی در آن اندک است و به تعبیر امام خمینی شارع چیزی بر خلاف بناء عقلاء نیاورده است

مگر در مواردی که دارای مفسده باشد (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۳، ص ۲۳)،
ثمره بالایی دارد.

همچنین باید در نظر داشت چنانچه بناء عقلاء مبنی بر زیر سوال بردن خبر واحد
موهون مورد پذیرش اهل بیت ع نباشد، میزان ردع وارد شده باید به مقدار اهمیت سیره
و ارتکاز و وسعتش باشد تا توان از بین بردن سیره را داشته باشد؛ نه به مقداری که از
طریق خبری واحد که در حال حاضر اصل دایره اعتبار آن محل بحث است، وارد
شود؛ زیرا همانگونه که شهید صدر معتقد است، وقتی سیره ای شایع بود، مشروعیت
آن در معرض سؤال از ائمه ع خواهد بود و نتیجه این است که انعکاسش در روایات
گسترده باشد (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۴۴). در نتیجه چنانچه خبری واحد بر خلاف
سیره ای قوی وجود داشته باشد، توان ردع سیره را نخواهد داشت و در تعارض، بر
سیره مقدم نخواهد بود.

البته باید در نظر داشت بررسی عقل و تجربه بشری نشان می دهد بسیاری از آنچه موهن
روایات تلقی می شود مبتنی بر دانش عامه و عرف غیر عقلانی زمانه و نهایتاً استبعادات
عقلی یا توجه به مصالح کوتاه مدت و غفلت از مصالح بلندمدت است؛ بنابراین نباید
اعتباری که به عقل و تجربه بشری داده می شود، بیش از واقع نمایی آن باشد. بنابراین
بایستی محدودیت های عقل و تجربه بشری در کشف احکام و در نتیجه حجیت
معرفت شناختی شان مورد توجه باشد (ر.ک: جلالی اصل، ۱۴۰۰ش، ۱۲۹-۱۴۸).

مبنا بودن بناء عقلاء برای حجیت خبر واحد، آثار دیگری نیز در تعارض ادله داراست.
زیرا از آنجا که حجیت مورد نظر عقلاء، حجیت معرفت شناختی است، چنانچه در
تعارض، یکی از دو خبر متعارض، از طریق عقل و تجربه بشری موهون تلقی شد،

أساسا شرایط تعارض با روایت دیگر را نخواهد داشت و تعارض مستقر محقق نخواهد شد. بنابراین در ترجیح یکی از ادله بر دیگری، حتی چنانچه مرجحات را منحصر در مرجحات منصوص بدانیم، باز با توجه به اینکه تعارض فرع حجیت است، چنانچه صدق یکی از دو خبر موهون شد، تعارض محقق نمی‌شود و مقدم کردن روایتی که موهون نشده، تعدی از مرجحات منصوص نیست بلکه از این باب است که أساسا تعارض مستقر محقق نشده است.

همچنین در رابطه با دو خبر متعارض که دارای تعارض مستقرند نیز اثر دیگر مبنا بودن بناء عقلاء این است که خروج از اصل اولی عقلائی یعنی تساقط دو دلیل، بایستی از طریق ادله‌ای باشد که از نظر قوت رادعیت نسبت به این بناء عقلاء، در حد قوت بناء عقلائی باشد بنابراین نمی‌توان به آسانی از اصل اولی خارج و در دو خبر متعارض، قائل به تخییر شد.

۳-۵. ضوابط سختگیرانه تر در جایی که مخبر به اهمیت بالایی دارد

یکی دیگر از لوازم مبنا بودن بناء عقلاء برای حجیت خبر واحد آن است که اگرچه عقلا با توجه به غیر ممکن بودن بسنده کردن به اخبار قطعی، خبر واحد را با وجود ظنی بودن می‌پذیرند و احتمال مخالف را الغاء می‌کنند (مظفر، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۷) اما هرچه خبر از اهمیت بالاتری برخوردار باشد، معیارهایشان برای پذیرش خبر سختگیرانه‌تر می‌شود و وثوق بیشتری طلب می‌کنند و بنابراین می‌توان گفت در پذیرش اخبار متفاوت روش یکسان ندارند و اخبار مربوط به موضوعات کم اهمیت را بدون نیاز به دلیل اثباتی و به مجرد عدم قرینه بر خلاف، می‌پذیرند. به همین دلیل است که هنگام پرسش از آدرس، ساعت، آب و هوا و... در صدد اثبات اعتبار گوینده نیستند. با این حال در موضوعاتی که اهمیت بیشتری دارند، مدارک و شواهد بیشتری

جستجو می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۸). مطالعات تجربی نیز موید این برداشت است. یک مطالعه جامع جدید که توسط پروژه «بیش رسانه‌ای» انجام شده، نشان می‌دهد عواملی خاص که باعث می‌شود مردم به یک منبع خبری اعتماد کنند و به آن تکیه کنند، بر اساس موضوع تغییر می‌کنند، طبق این مطالعه میزان ارزشی که مخاطبان اخبار به اعتبار خبر می‌دهند، بسته به اینکه در حال جستجوی اخبار سیاسی هستند یا اخبار مربوط به ترافیک و وضعیت هوا، متفاوت است. در برخی موضوعات، مخاطبان گزارش‌های عمیق و منابع متخصص را ترجیح می‌دانند در حالی که در دیگر موارد، سهولت استفاده از اخبار اهمیت بیشتری دارد. (American Press Institute, 2023).

بنابراین در رابطه با اغراض اهم شارع همچون حفظ دین، عقل، جان، عرض و مال، بایستی ضوابط پذیرش اخبار، بر اساس ضوابط عقلاء در پذیرش اخبار آحاد باشد و نمی‌توان به راحتی احکامی همچون قصاص را به راحتی با خبر واحد اثبات کرد آن هم در حالی که در هر نسل ممکن است هزاران نفر بر این اساس اعدام شوند. این مبنا با قاعده درأ نیز هماهنگی دارد. همچنانکه صاحب ریاض در جایی که دزدی اثبات شده و سارق در انتظار قطع ید و در همین حین، پینه‌ای دیگر سرقت دیگری از او را اثبات می‌کند، در پاسخ عده‌ای همچون شیخ صدوق و شیخ طوسی در نه‌ایه و خلاف که معتقدند باید یک دست و یک پای دزد قطع شود، با اینکه روایتی که در این راستا وارد شده را حسن و قریب به صحیح می‌داند، عمل به روایت را خالی از اشکال نمی‌داند و می‌گوید: و الأولى التمسک بعصمة الدم إلاً فی موضع یقین عملاً بالص

المواتر بدفع الحد بالشبهات (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۱۴۵-۱۴۷). لازم به ذکر است قاعده درأ که مورد تسالم اصحاب است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۴۸)، علاوه بر جایی که تحقق معصیت موجب حد و به تعبیر حقوقی عنصر مادی جرم، مشتبه باشد و علاوه بر جایی که در رابطه با عاصی شبهه موضوعیه یا حکمیه وجود داشته باشد، در جایی که خود حکم یا به تعبیر حقوقی، عنصر قانونی جرم نیز محل تردید باشد، جایگاه دارد (ر.ک: محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۶۱). شک در حکم نیز

چنانچه مبنای آن نقل باشد، از سه جهت اصل صدور، دلالت نقل و جهت نقل متصور است (روحانی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۲۹). بنابراین چنانچه در مسیر اثبات اصل صدور به عنوان مثال طریقت خیر واحد تردید شد، این مسئله نیز از عناصری است که می تواند در خود حکم یا عنصر قانونی جرم، شبهه ایجاد کند و مشمول قاعده درأ خواهد بود.

۴-۵. اصل اولی در اعتبار خبر واحد فاقد حجیت معرفت شناختی در

صورت تردید در اعتبار بخشی عقلا

یکی از مباحث مهم در بررسی اعتبار ادله، تشخیص اصل اولی در مواضع شک است زیرا در مواردی ممکن است در حکم یا موضوع حجیت، تردید حاصل شود بنابراین اصل اولی تکلیف را در مواضع شک مشخص می کند. بر این اساس در رابطه با خبری که دارای حجیت معرفت شناختی نیست اما صحیح السند است نیز بایستی اصل اولی مشخص شود و یکی از لوازم مبنای بودن بناء عقلاء برای حجیت خبر واحد، مشخص کردن اصل اولی در موضع شک است.

توضیح اینکه به طور کلی اصل اولی در ظنون همانگونه که گفته شد، عدم اعتبار است (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۲۵) بنابراین چنانچه در اعتبار دلیلی ظنی تردید حاصل شد، عدم وجود دلیلی معتبر بر اعتبار آن، منجر به حکم به عدم اعتبار آن می شود زیرا حتی وجود ظن به حجیت در خبر واحد، همانند عدم آن است (کلباسی، ۱۳۱۷، ص ۱۰۴). اما ممکن است دلیل اثبات اعتبار، دلیلی نقلی باشد و بتوان به عموم و اطلاق آن برای اثبات شمول اعتبار استناد کرد. اما با توجه به اینکه بناء عقلاء از ادله لیبی است، عموم و اطلاقی نیز وجود ندارد که بتوان در موضع شک به آن تمسک کرد. بر این اساس محقق نائینی معتقد است با توجه به لیبی بودن بناء عقلاء، بایستی در مواضع شک به قدر متیقن اخذ کرد و قدر متیقن از بناء عقلاء نیز جایی است که وثوق و اطمینان به مضمون خبر واحد ایجاد شود (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۹۶). محقق عراقی

نیز مشابه چنین استدلالی را در صورت شک در حجیت ظواهر دارد (عراقی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۰۴).

امام خمینی ره نیز معتقد است برای اعتباریابی نقل از طریق بناء عقلاء، نیازمند تحقق "قطع" به وجود چنین بنائی میان عقلا هستیم چرا که بناء عقلاء دلیل لیبی است و از سنخ دلیل لفظی نیست که بتوان به عموم و اطلاق آن تمسک کرد و بایستی به قدر متیقن از آن اکتفا کرد و در صورتی که شک در تحقق این بناء یا شک در امضاء شارع نسبت به این بناء وجود داشت، اصل بر عدم اعتبار دلیل است (امام خمینی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۱۳۸). بنابراین حتی شک در لزوم وجود حجیت معرفت شناختی نزد عقلاء، کافی است تا عدم اعتبار اخبار آحاد در فقه، اثبات شود.

۶. نتایج

با توجه به آنچه گفته شد مشخص می شود غیر از مبنای عدم جعل که تعیین تکلیف حجیت اصولی یا معرفت شناختی خبر واحد، مبتنی بر بررسی بناء عقلاء درباره حجیت مد نظر در خبر واحد است، ماهیت حجت بر اساس باقی نظرات، اصولی است. با این حال با توجه به اینکه حجیت اصولی متعلقی دارد، برای کشف رابطه حجیت اصولی و معرفت شناختی به بررسی این موضوع پرداخته شد که حجیت اصولی به چه تعلق گرفته و در آنچه حجت تلقی شده، حجیت اصولی و معرفت شناختی چه ارتباطی با یکدیگر دارند.

با بررسی مبنای اعتبار خبر واحد در استنباط گزاره های فقهی مشخص شد که مبنای اعتبار خبر واحد بناء عقلاست و بنابراین دایره اعتبار خبر و از جمله حجیت مورد نیاز را نیز عقلاء مشخص میکنند. بر این اساس نتایج زیر به دست آمد:

یک: اگرچه حجیت خبر واحد در اصول فقه، بر اساس عمده مبانی پیرامون ماهیت مجعول در حجیت امارات، حجیت اصولی است ولی این حجیت در خبر واحد به خبری تعلق گرفته که دارای حجیت معرفت‌شناختی باشد زیر عقلاء میزان واقع‌نمایی خبر را لحاظ کرده و به صورت مطلق، خبر واحد را معتبر نمی‌دانند؛ در نتیجه خبری که نزد عقلاء واقع‌نمایی داشته باشد، حجیت اصولی نیز خواهد داشت. به بیان دیگر خبری معتدل و منجز است که واقع‌نمایی داشته باشد.

بر این اساس مشخص شد میان دو مبناى وثوق صدور و وثوق سند، مبناى صحیح، مبناى وثوق صدور است و لوازم این مبنا این است که اولاً اعتبار روایات را نمی‌توان به روایات صحیح‌السند محدود کرد و ثانیاً حتی در روایات صحیح‌السند نیز لزوماً صحت سند کافی نخواهد بود و باید خبر نزد عقلاء موثوق‌الصدور شود. بر این اساس، چنانچه روایتی از طریق غیر معتبر وارد شود اما قرائن صحت نزد عقلاء وجود داشت، می‌توان روایت را تصحیح کرد. و چنانچه روایتی از نظر سندی معتبر بود، با توجه به معیار بودن حجیت معرفت‌شناختی نزد عقلاء، صرف صحت سند در پذیرش روایات فقهی کافی نیست و آنچه موجب وثوق بیشتر می‌شود، باید گردآوری شود؛ تا جایی که منجر به وثوق عقلانی به صدق انتساب خبر به معصوم ع شود.

دو: با توجه به معیار بودن بناء عقلاء در حجیت خبر، بایستی میان خبر واحد به عنوان ظن خاص با ظنون عامی که توان موهون کردن اعتبار خبر واحد را دارا هستند، نسبت‌سنجی کرد. عقل و تجربه چنانچه واقع‌نمایی خبر واحد را موهون کنند، تحقق شرایط حجیت خبر واحد را مخدوش می‌کنند و اساساً خبر واحد حجت نخواهد بود تا ناسازگاری آن با عقل و تجربه، تعارض حجت و لاحجت باشد. بنابراین عقل و تجربه ظنی موهن صحت خبر واحد، اگرچه خود دارای اعتبار اصولی نیستند و به عنوان ظن عام، صلاحیت اینکه در کشف واقع مورد اتکا قرار گیرند را دارا نیستند، اما نسبت به اخبار آحاد، اعتبارزدا تلقی می‌شوند. بنابراین بایستی در این صورت چنانچه دلیل معتبر

دیگری وجود داشت، به آن مراجعه کرد و در غیر این صورت به عموماً فوقانی و در صورت فقدان، به اصل عملی رجوع کرد.

سه: از دیگر لوازم مینا بودن بناء عقلاء برای حجیت خبر واحد این است که هر چه خبر از اهمیت بالاتری برخوردار باشد، معیارهای عقلا برای پذیرش خبر سختگیرانه تر می شود و وثوق بیشتری طلب می کنند. بنابراین در رابطه با اغراض اهم شارع همچون حفظ دین، عقل، جان، عرض و مال، بایستی ضوابط پذیرش اخبار، بر اساس ضوابط عقلاء در پذیرش اخبار آحاد باشد و نمی توان به راحتی چنین احکامی را به راحتی با خبر واحد اثبات کرد.

چهار: لازمه دیگر مینا بودن بناء عقلاء برای حجیت خبر واحد این است بایستی در موضع شک به قدر متیقن اخذ کرد و قدر متیقن از بناء عقلاء نیز جایی است که وثوق و اطمینان به مضمون خبر واحد ایجاد شود و در صورتی که شک در تحقق این بناء یا شک در امضاء شارع نسبت به این بناء وجود داشت، اصل بر عدم اعتبار دلیل است. بنابراین حتی شک در لزوم وجود حجیت معرفت شناختی نزد عقلاء، کافی است تا عدم اعتبار اخبار آحاد در فقه، اثبات شود.

توجه به لوازم فوق می تواند اثر گسترده ای در پژوهش های فقهی داشته باشد. بر این اساس پیشنهادات زیر ارائه می شود:

یک: مینا بودن بناء عقلاء در دیگر امارات همچون حجیت ظواهر و اصول لفظی همچون أصالة الإطلاق و أصالة العموم و ... باید مورد بررسی قرار گیرد و بر این اساس دایره اعتبار امارات و اصولی که در جهت اثبات دلالت یا جهت ادله لفظی هستند نیز مشخص شود.

دو: میزان اعتبار خبر واحد با توجه به اقتضائات حجیت معرفت شناختی هر حوزه فقهی، بایستی لحاظ شود. به عنوان مثال به نظر می رسد در فقه سیاسی احتمال تعارض ادله نقلی با عقل و تجربه بشری بیشتر است و مسائل نیز با توجه به تأثیرات گسترده سیاست، اهم و احتمال وهن صدور نیز با توجه به فسادخیزی سیاست بیشتر است.

بنابراین در پژوهشی به صورت مستقل باید حجیت خبر واحد در فقه سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

سه: ظرفیت علوم برای تحقق وثوق به صدور یا تضعیف وثوق صدور بایستی مورد توجه قرار گیرد و با توجه به اندیشه‌های فلسفی و اکتشافات علمی، میان اخبار آحاد و دانش بشری نسبت سنجی صورت گیرد. ممکن است خبری در گذشته به راحتی مطابق عقل تلقی می‌شده اما شواهد کنونی مبنی بر ضعف محتوای آن، وثوق به صدور آن از جانب معصوم ع را موهون کند. البته همانگونه که گفته شد، بایستی به محدودیت‌های معرفت‌شناختی عقل و تجربه بشری نیز توجه کرد.

منابع:

- آبراهامیان، پروانه. (1982). **ایران بین دو انقلاب** (احمد گل محمدی، مترجم). تهران: فارسی.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (1409). **کفایة الأصول (طبع آل البيت)**. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- احمدی، طاهره. (1391). **مقایسه و تحلیل ساختار روزنامه‌های مالانصرالدين و صور اسرافیل** (رساله دکتری). دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات.
- اصفهانی، محمدحسین. (1429). **نهاية الدراية في شرح الكفاية**. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۶ش). **تنقیح الأصول** (چاپ اول، ج ۴). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله. (1381). **تهذیب الأصول** (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵ش). **انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفاية** (چاپ سوم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۲ش). **کتاب البیع (للامام الخمينی)** (چاپ چهارم، ج ۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های زبانی و محتوایی (فکری) روزنامه وقایع اتفاقیه. **ادبیات پارسی معاصر**، ۱(۱)، ۱-۲۳.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۲۸ق). **فرائد الأصول**. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- استاجی، اعظم. (1395). **بررسی ویژگی‌های صوری و زبانی برخی از روزنامه‌ها از دوره قاجار تا دوران معاصر** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بازرگان، محمدنوید و غلامی، علی. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های نثر روزنامه‌نگاری دهخدا. **پژوهش‌نامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب)**، ۷(11)، ۳۴۵-۳۶۶.
- بروجردی، حسین. (1415). **نهایة الأصول** (ج ۲). قم: نشر تفکر.
- جلالی اصل، هادی. (1400). **روش‌شناسی علوم سیاسی بر اساس رابطه عقل و نقل** (چاپ اول). قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- حسینی میلانی، علی. (1428). **تحقیق الأصول علی ضوء أبحاث ... آیه الله العظمی الوحید الخراسانی** (چاپ دوم، ج ۶). قم: مرکز الحقائق الإسلامیة.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی. (۱۴۰۰ق). **عناية الأصول فی شرح کفایة الأصول** (چاپ چهارم، ج ۳). قم: فیروزآبادی.
- حسینی یار، حسن، سلطانی، عباسعلی و علمی سولا، محمدرضا. (۱۳۹۶). **حجیت خبر واحد در امور مهمه. مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، ۹(۱۶)، ۱۷۷-۱۹۲. doi: 10.22075/feqh.2017.2413
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۰). گفتگو با مصطفی ملکیان (روش‌شناسی در علوم سیاسی). **فصلنامه علوم سیاسی**، ۴(14)، ۲۷۳-۲۹۲.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۲ق). **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب** (چاپ اول، ج ۱۵). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- خمینی، مصطفی. (1376). **تحریرات فی الأصول** (ج ۸). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

- خوئی، ابوالقاسم. (1418). **موسوعة الإمام الخوئی (مصباح الأصول (1))** (ج ۴۷). قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). **مصباح الأصول** (چاپ اول، ج ۲). قم: کتابفروشی داوری.
- رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). **فلسفه مضاف. فصلنامه علمی پژوهشی قیاسات**، ۱۱ (40-39)، ۵-۳۰.
- رفعت، محسن و قربانخانی، امید. (۱۳۹۹). **اعتبارسنجی اخبار آحاد از منظر اصولی و معرفت‌شناختی. پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی**، ۷ (12)، ۱۶۸-۱۴۵.
- ربانی بیرجندی، محمد حسن. (۱۳۷۸). **وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها. مجله فقه**، ۱۹ (20-19)، ۲۰۷-۱۴۵.
- روحانی، محمد. (1413). **منتقى الأصول** (ج ۴). قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.
- روحانی، محمدصادق. (1389). **زبدة الأصول (الروحانی)** (ج ۴). قم: کلبه شروق.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۶ق). **أصول الحدیث وأحكامه فی علم الدراية**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۶ق). **تمهید القواعد الأصولیة و العربیة** (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۷ق). **بحوث فی علم الأصول** (تقریر: سید محمود هاشمی شاهرودی). قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن** (چاپ دوم، ج ۲۰). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمدعلی. (1418). **ریاض المسائل (ط. الحدیثه)** (چاپ اول، ج ۱۶). قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.
- عراقی، ضیاء‌الدین. (1411). **منهاج الأصول** (چاپ اول، ج ۲). بیروت: دار البلاغة.
- عراقی، ضیاء‌الدین. (۱۴۱۷ق). **نهاية الأفكار**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- غلامی، علی. (همکار در مقاله "بازرگان و غلامی، ۱۳۹۰". **اطلاعات در مدخل مربوطه آمده است**).
- کلباسی، محمد بن محمدابراهیم. (1317). **رسالة فی حجیة الظن** (چاپ اول). بی‌جا: بی‌نا.

- مامقانی، عبدالله. (1385). **مقیاس الهدایة فی علم الدرایة** (تحقیق محمدرضا دامقانی، چاپ اول، ج ۲). قم: انتشارات دلیل ما.
- محقق داماد، مصطفی. (1383). **قواعد فقه (بخش جزایی)** (چاپ چهارم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، عبدالله. (1395). **ارزش معرفت شناختی دلیل نقلی** (چاپ اول). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مظفر، محمد رضا. (1388). **أصول الفقه** (چاپ پنجم). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۵۲ ش). **أجود التقریرات** (چاپ اول). قم: کتابفروشی مصطفوی.
- نائینی، میرزا محمد حسین. (1376). **فوائد الاصول** (چاپ اول، ج ۴). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجمی نژاد، نعیمه، محمدی، عبدالله و حسینی نسب، سید مصطفی. (۱۴۰۳). **اعتبار معرفت شناختی ظن و تاثیر آن در تحول علوم انسانی. فصلنامه حکمت اسرا، ۱۶(3)، ۹۰-۶۱.**
- American Press Institute. (2023). **Trust in news: What factors make people trust the news they consume?** دی ۲۰ از <https://americanpressinstitute.org/trust-news/>، ۱۴۰۴ از

References

- Abrahamian, Y. (1982). *Iran between two revolutions* (A. Golmohammadi, Trans.). Tehran: Farsi. [Persian]
- Akhund Khorasani, M. K. (1409 AH). *Kifayat al-usul* (Al al-Bayt ed.). Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [Arabic]
- Ahmadi, T. (2012). *Comparison and analysis of the structure of Molla Nasreddin and Sur-e Esrafil newspapers* (Doctoral dissertation). University of Tabriz, Faculty of Literature. [Persian]
- Esfahani, M. H. (1429 AH). *Nihayat al-dirayah fi sharh al-kifayah*. Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [Arabic]
- Imam Khomeini, S. R. (1997). *Tanqih al-usul* (1st ed., Vol. 4). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [Arabic]
- Imam Khomeini, S. R. (2002). *Tahdhib al-usul* (Vol. 2). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [Arabic]
- Imam Khomeini, S. R. (2006). *Anwar al-hidayah fi al-ta'liqah 'ala al-kifayah* (3rd ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [Arabic]

- Imam Khomeini, S. R. (2013). *Kitab al-bay' (li al-Imam al-Khomeini)* (4th ed., Vol. 5). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [Arabic]
- Ansari, Z. (2011). A study of the linguistic and content (intellectual) features of Vaqaye'-e Etefaqiye newspaper. *Contemporary Persian Literature*, 1(1), 1-23. [Persian]
- Ansari, M. (1428 AH). *Fara'id al-usul*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [Arabic]
- Estaji, A. (2016). *A study of the formal and linguistic features of some newspapers from the Qajar period to the contemporary era* (Master's thesis). Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature and Humanities. [Persian]
- Bazargan, M. N., & Gholami, A. (2011). A study of the journalistic prose features of Dehkhoda. *Journal of Epic Literature (Journal of Culture and Literature)*, 7(11), 345-366. [Persian]
- Boroujerdi, H. (1415 AH). *Nihayat al-usul* (Vol. 2). Qom: Tafakkor Publishing. [Arabic]
- Jalali Asl, H. (2021). *Methodology of political science based on the relationship between reason and narration* (1st ed.). Qom: Baqir al-Ulum University. [Persian]
- Hosseini Milani, A. (1428 AH). *Tahqiq al-usul 'ala daw' abhath ... Ayatollah al-Uzma al-Wahid al-Khorasani* (2nd ed., Vol. 6). Qom: Center for Islamic Truths. [Arabic]
- Hosseini Firouzabadi, M. (1400 AH). *Inayat al-usul fi sharh kifayat al-usul* (4th ed., Vol. 3). Qom: Firouzabadi. [Arabic]
- Hosseini Yar, H., Soltani, A. A., & Elmi Sola, M. R. (2017). The authority of single report in important matters. *Islamic Law & Jurisprudence Studies*, 9(16), 177-192. <https://doi.org/10.22075/feqh.2017.2413> [Persian]
- Haghighat, S. S. (2001). A dialogue with Mostafa Malekian (Methodology in political science). *Political Science Quarterly*, 4(14), 273-292. [Persian]
- Hilli, H. (1412 AH). *Muntaha al-matlab fi tahqiq al-madhhab* (1st ed., Vol. 15). Mashhad: Islamic Research Foundation. [Arabic]
- Khomeini, M. (1997). *Tahrirat fi al-usul* (Vol. 8). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [Arabic]
- Khoei, A. (1418 AH). *Mawsu'at al-imam al-khoei (Misbah al-usul (1))* (Vol. 47). Qom: Institute for Revival of Imam Khoei's Works. [Arabic]
- Khoei, A. (1422 AH). *Misbah al-usul* (1st ed., Vol. 2). Qom: Davari Bookstore. [Arabic]
- Rashad, A. A. (2006). Multi-disciplinarity in philosophy. *Qabasat Scientific-Research Quarterly*, 11(39-40), 5-30. [Persian]
- Rafat, M., & Ghorbankhani, O. (2020). Validation of single reports from a usul al-fiqh and epistemological perspective. *Journal of Comparative Hadith Sciences*, 7(12), 145-168. [Persian]

- Rabbani Birjandi, M. H. (1999). Documented and contextual reliability and perspectives. *Fiqh Journal*, (19-20), 145-207. [Persian]
- Rohani, M. (1413 AH). *Muntaqa al-usul* (Vol. 4). Qom: Office of Grand Ayatollah Seyyed Mohammad Hosseini Rohani. [Arabic]
- Rohani, M. S. (2010). *Zubdat al-usul (al-rohani)* (Vol. 4). Qom: Kolbeh Shorouq. [Arabic]
- Sobhani Tabrizi, J. (1416 AH). *Usul al-hadith wa ahkamuhu fi 'ilm al-dirayah*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [Arabic]
- Shahid al-Thani, Z. (1416 AH). *Tamhid al-qawa'id al-usuliyah wa al-'arabiyyah* (1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office Publications of the Qom Seminary. [Arabic]
- Sadr, S. M. B. (1417 AH). *Buhuth fi 'ilm al-usul* (S. M. Hashemi Shahroudi, Ed.). Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Institute. [Arabic]
- Tabatabai, M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi tafsir al-qur'an* (2nd ed., Vol. 20). Beirut: Al-Alami Publishing Institute. [Arabic]
- Tabatabai Karbalaee, A. (1418 AH). *Riyad al-masa'il (al-tab'ah al-hadithah)* (1st ed., Vol. 16). Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [Arabic]
- Iraqi, Z. (1411 AH). *Minhaj al-usul* (1st ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Balaghah. [Arabic]
- Iraqi, Z. (1417 AH). *Nihayat al-afkar*. Qom: Islamic Publishing Institute. [Arabic]
- Kalbasi, M. (1317 AH). *Risalah fi hujjiyat al-zann* (1st ed.). [n.p.]: [n.p.]. [Arabic]
- Mamaqani, A. (2006). *Miqbas al-hidayah fi 'ilm al-dirayah* (M. Damed, Ed.; 1st ed., Vol. 2). Qom: Dalile Ma Publications. [Arabic]
- Mohaghegh Damad, M. (2004). *Qawa'id al-fiqh (criminal section)* (4th ed.). Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. [Persian]
- Mohammadi, A. (2016). *Epistemological value of transmitted evidence* (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [Persian]
- Muzaffar, M. R. (2009). *Usul al-fiqh* (5th ed.). Qom: Islamic Publishing Institute. [Arabic]
- Naeini, M. H. (1973). *Ajwad al-taqrirat* (1st ed.). Qom: Mostafavi Bookstore. [Arabic]
- Naeini, M. H. (1997). *Fawa'id al-usul* (1st ed., Vol. 4). Qom: Qom Seminary Teachers Society. [Arabic]
- Najaminejad, N., Mohammadi, A., & Hosseini Nasab, S. M. (2024). The epistemological validity of conjecture (zann) and its impact on the transformation of humanities. *Asra Hikmat Quarterly*, 16(3), 61-90. [Persian]
- American Press Institute. (2023). *Trust in news: What factors make people trust the news they consume?* Retrieved January 10, 2026, from <https://americanpressinstitute.org/trust-news/>

Title: The Relationship Between the *Uṣūlī* and Epistemological *Validity* of Solitary Reports (*Khabar al-Wāḥid*) and Its Methodological Implications for *Ijtihād*

Extended Abstract:

1. Problem Statement and Research Gap

The solitary report (*khabar al-wāḥid*), as a primary narrative source for deriving Islamic legal rulings, has always been central to the discourse among scholars of legal theory (*uṣūl al-fiqh*). A fundamental and persistent question concerns the very nature of its authority in the deduction process: Is it based solely on "procedural authority" (*ḥujjiyyah uṣūliyyah*)—an exculpatory enactment by the Lawgiver—or is it inherently linked to its "epistemological authority" (*ḥujjiyyah maʿrifatīyyah*), i.e., its truth-claim and reliability? While the validity of solitary reports has been extensively examined in classical and contemporary texts, a systematic exploration of the **relationship** between these two dimensions of authority and, more specifically, the extraction of the "**methodological implications**" (*al-dalālāt al-manḥajīyyah*) arising from this relationship has received less direct attention. Clarifying this issue is crucial due to its direct impact on determining the scope of valid reports, approaches to resolving conflicts of evidence, and the required rigor in relying on such reports in matters of significant consequence.

2. Objective and Methodology

The primary objective of this study is to analyze the intrinsic relationship between the procedural and epistemological authority of solitary reports and to systematically deduce the practical and methodological consequences flowing from this relationship. The research employs a **descriptive-analytical method** within the framework of the "**philosophy of jurisprudence approach**"

(*minhaj falsafat al-fiqh*). This meta-theoretical approach facilitates a higher-order examination of the discipline's foundations. Necessary data was gathered through library research of classical and contemporary texts in *uṣūl al-fiqh* and subjected to logical analysis.

3. Key Finding and Central Argument

The analysis of theoretical positions reveals that beneath differing explanations regarding the nature of the "enacted ruling" (*al-maj'ūl*) for indicants (*al-amārāt*), a fundamental common ground exists among many legal theorists: **the ultimate foundation for the validity of a solitary report is the "building of the rational agents" (*binā' al-'uqalā'*)**. In other words, a report is considered a procedurally valid proof (*ḥujjah*) precisely because rational agents, in practical terms, would deem it a reliable source for discovering the ruling. Accordingly, this research argues that **procedural authority is not independent of epistemological authority but is dependent upon and contingent on it**. A solitary report gains its status as a legal proof only when it is considered *authentic in its attribution* (*mawthūq al-ṣudūr*) according to rational criteria.

4. Methodological Implications and Conclusion

From this core finding, **four significant methodological implications** for the process of jurisprudential deduction (*istinbāṭ*) are deduced:

1. **The Criterion of Reliability:** The ultimate criterion shifts from the formal integrity of the chain of transmission (*isnād/sanad*) to **"reliability in attribution (*wuthūq al-ṣudūr*)"** from the Infallible.
2. **Interaction with Rational Conjectures:** The validity of a solitary report can be negated by **"credible rational conjectures that are undermining (*al-zunūn al-'aqliyyah al-mūhinah*)"**, even if those conjectures themselves do not constitute an independent procedural proof, provided they

seriously undermine confidence in the report's authenticity.

3. **Principle of Proportional Rigor:** The required level of confidence and scrutiny in validation must be **proportionate to the importance of the jurisprudential subject matter** (e.g., *ḥudūd* penalties, which demand the highest standard).

4. **The Ruling in Cases of Doubt:** In cases of genuine doubt about whether a report meets the rational agents' standard of reliability, the **default ruling is its invalidity** as proof.

In conclusion, this study demonstrates that accepting the dependence of procedural authority on epistemological authority necessitates a **paradigm shift** in contemporary jurisprudential methodology—a move away from an exclusive focus on the chain of transmission (*isnād*) toward an **integrated, content-based, and reliability-oriented approach**. This approach mandates the active search for corroborating evidence and critical engagement with other sources of knowledge to fulfill the fundamental condition of validity as established by rational consensus.

UNCORRECTED